



گفت‌وگو با آزاده انصاری، کارگردان نمایش ماه پیشونی، از سبک کار تا مصایب تئاتر کودک

دچار تنبلی فرهنگی شده‌ایم

کشانندن خانواده‌ها به تئاتر سخت‌ترین کار است

همچون «تئاترین زیبای مرده»، «ماکوند»، «بی‌بی بیسل» و «خوشبختی‌های کوچک سوسک‌شدن» را به‌صحنه برده‌است. انصاری اعتقاد دارد تئاتر هنوز به سبک فرهنگی خانواده‌های ایرانی راه نرفته، اما آزاده انصاری کارگردان این نمایش به گفت‌وگو نشستیم و درباره ماه پیشونی و مصایب تئاتر کودک حرف زدیم. این کارگردان پیشتر نمایش‌هایی

بین‌المللی تهران- مبارک است که سال ۱۳۸۴ روی صحنه رفت. این نمایش که تولید کار گاه عروسکی گروه تئاتر معاصر است، بعد از سال‌ها مجدداً به روی صحنه رفته و این روزها در حال اجراست. به همین بهانه، با آزاده انصاری کارگردان این نمایش به گفت‌وگو نشستیم و درباره ماه پیشونی و مصایب تئاتر کودک حرف زدیم. این کارگردان پیشتر نمایش‌هایی

کودکان که حجم اطلاعاتی که روزانه دریافت می‌کنند، فراتر از نسل‌های پیشین است. یکی از نمایش‌های کودک‌کی که مدتی است در پردیس تئاتر شهزاد اجرا می‌شود، قصه‌های افسانه‌ای است که داستان ماه پیشونی و گلایون و دیو را روایت می‌کند. نمایش عروسکی ماه پیشونی نوشته ایوب آقاخانی، اثر برگزیده دهمین دوره جشنواره

آن روزها، امروز تئاتر عروسکی به‌عنوان شاخه‌ای مهم از تئاتر کودک آن قدر تأثیرگذار و اساسی است که حجم زیادی از نمایش‌های کودک را به خود اختصاص می‌دهد. اگر چه همچنان درباره ذات و کارکرد و هدف تئاتر کودک نظرات مختلفی وجود دارد اما نمی‌توان این واقعیت را کتمان کرد که هر آنچه بتواند بر کودکان تأثیر بگذارد و با زبان

حسین یارسا | دقیقاً مشخص نیست آنچه امروز تئاتر عروسکی نامیده می‌شود در کجا و چه زمانی خلق شد و کدام مردم نخستین‌بار جذابیت آن را کشف کردند و به آن دل بستند. اما آنچه به تحقیق مشخص شده این است که عروسک و ساخت و استفاده از آن در جوامع اولیه به مقاصد مذهبی و آموزشی بوده است. هزاران سال بعد از

رستوران را به تئاتر ترجیح می‌دهیم

اطرافیان و همکاران کار می‌کنیم. همه اینها یک‌سری آسیب‌های دوسویه هستند که حل آنها هم احتیاج به همکاری دارد.

● در این وضع اتفاقاتی همچون جشنواره‌های تئاتر کودک و عروسکی، تأییری در بهبود وضع کلی تئاتر و فرهنگ‌سازی بیشتر خواهند داشت؟

تأثیر مقطعی دارند، چون حتی در جشنواره‌ها تماشاگران ما مخاطبان جشنواره‌ای و مقطعی هستند البته در همین حدهم خوب و امیدوار کننده است ولی من با توجه به حضور چندین ساله‌ام در جشنواره‌های عروسکی اعتقاد دارم مخاطب جشنواره‌ای با مخاطبی که در طول سال بلیت می‌خرد و نمایش‌ها را می‌بیند، متفاوت است. این دو گروه را باید کاملاً از هم جدا و تحلیل کرد.

● پس همچنان مخاطب را مشکل اصلی جشنواره‌ها می‌دانید، هرچند با برگزاری جشنواره‌ها،

بله. سخت‌ترین قسمت کار در نهایت، همان کشانندن خانواده‌ها به سالن نمایش است. مخصوصاً وقتی سالن‌هایی وجود دارد که خیلی‌ها نام و آدرس آن را نمی‌دانند و این دشواری کار را بیشتر می‌کند.

● با این همه سختی که از آن صحبت می‌کنید برنامه‌ای برای آف‌ساز کارهای جدید خواهید داشت؟

قطعاً. کارهای بعدی را به‌زودی شروع می‌کنم که یکی از آنها تولید اثر ماکوند است. من بیشتر از کار کودک تجربه کار برای نوجوانان دارم اما تجربه ماه پیشونی واقعاً برایم لذت‌بخش بود. احساس می‌کنم آن قدر دنیا را جدی گرفته‌ایم که بچه‌ها را که باید جدی بگیریم، فراموش کرده‌ایم.

تئاتر کودک جدی گرفته نمی‌شود

دارد، سعی دارد در اثری که خلق می‌کند جهان را به رنگی دیگر برای بیننده بسازد. این که در این باشد، زیاد نه.

● مشکل از کجاست؟

وقتی تئاتر به‌عنوان سبک فرهنگی خانواده‌های ما نهادینه نشده، در مدارس جدی گرفته نمی‌شود و نهایتاً به‌صورت جشنواره‌ای و مقطعی با آن برخورد می‌شود و حتی وقتی آزادی بچه‌ها را به ما دادن موضوع و محدود کردن آنها به چالش می‌کشد، وضع این‌طور می‌شود. هر چند هنوز هم در تئاتر دانش‌آموزی ما اتفاقات خوبی می‌افتد. بچه‌هایی هستند که به نمایش علاقه دارند و به سمت آن می‌آیند، هر چند ممکن است کارهایشان در ابتدا چندان قوی نباشد اما تلاش خوبی می‌کنند. در نهایت ما هم تمام سعی‌مان را خواهیم کرد که این چراغ را روشن نگه داریم.

● در برابر مدرسه و خانواده، به‌عنوان متولیان کلاسیک ساختن شخصیت کودک، تئاتر شانس برای تأثیرگذاری

دارد؟ فکر نمی‌کنند تئاتر آموزش دهنده به کودک، فقط یک شعار اهالی تئاتر است؟

اهالی تئاتر تلاش می‌کنند جهان را طور دیگری برای مخاطب تصویر کنند. هر کس به فراخور کار، سلیقه و درکی که از جهان

ماه پیشونی می‌تواند مخاطب را جذب کند

کردم

● ماه پیشونی بعد از ۱۲ سال از نخستین اجرای خود، روی صحنه رفته‌است. چه انگیزه‌ای باعث شد بعد از این سال‌ها به باز تولید نمایش نسبتاً قدیمی خود بپردازید؟

نمی‌دانم. شاید به خاطر این که در این سال‌ها امکانات، مثل سالن، به شکل آن وجود نداشت. البته همان سال‌ها ماه پیشونی را دوره کوتاهی در سداپا بردیم. مهد کودک‌ها اجرا می‌رفتیم، ولی کار ادامه پیدا نکرد. بعد از آن سال‌ها درگیر کارهای دیگری هم شدم و این تأخیر بیشتر شد. ولی امسال ابتدا این کار را به تالار هنر پیشنهاد دادم که آنها گفتند کار باز تولید قبول نمی‌کنند. وقتی همین سال شهزاد در حال تأسیس بود به پیشنهاد نادر برهانی‌مرد سالی کوچک به کار کودک اختصاص داده شد. فکر می‌کردم ماه پیشونی همچنان می‌تواند مخاطب داشته باشد بنابراین از موقعیت موجود استفاده کردم.

● نگران نبودید بچه‌های اواخر ۸۰ و اوایل ۹۰ که در دنیای مجازی زندگی می‌کنند و اینترنت و بازی و مدرن زندگی کردن را خیلی خوب می‌شناسند، با قصه قدیمی دیو پری و موسیقی ایرانی و رابلی با لباس قجری و آرایش قدیمی از تباط برقرار کنند؟

نه چندان. فکر می‌کنم کار آن قدر لحن‌های جذاب و خلاقانه دارد که مخاطب کودک را جذب کند. فراموش نکنیم بچه‌ها تنوع را دوست دارند و چنین نمایش‌هایی به دل آنها خواهد نشست. این البته بستگی به خود کار هم دارد که چقدر بتواند ذهن آنها را زود کار متمرکز کند، چون بچه‌ها خیلی زود خسته می‌شوند. البته نمایش ما به‌طور خاص مناسب بچه‌های پنج‌سال به بالاست.

● پنج‌سال به بالا، چون قرار است چیزی هم به آنها آموزش داده شود؟

بله

گفت‌وگو با مر ترضی کریمی، انسان‌شناس و پژوهشگر درباره لزوم آشنایی کودکان با تئاتر

دنیای مدرن اهمیت تئاتر را بیشتر کرده‌است

مثلاً برای بچه‌هایی از نقاط دورافتاده ایران می‌شود از بهداشت فردی و مستواک‌زدن حرف زد ولی کسی که در شمال تهران است، نیاز دیگری دارد و اولویت آن می‌تواند آموزش مهارت‌های هنری یا رفتار مناسب در فضای مجازی باشد. پس علاوه بر سن عوامل مختلف دیگری هم وجود دارد که می‌تواند بر محتوای کار تأثیر بگذارد. البته مسائل مهمی هم هستند که فارغ از سن و طبقه و جنسیت قابلیت طرح دارند.

مفاهیمی مثل منافع یا اتحاد ملی، حقوق اقوام و وزن مردود آموزش‌های شهروندی برای همه کودکان یکسان است. این که به بچه‌ها یاد بدهیم اگر نمره کمتری در کلاس می‌گیرند دلیل بر ضعیف بودن آنها نیست و بالا و پایین بودن نمره‌های درسی به معنای متفاوت بودن نیست و فقط استفاده آنها در درس‌های مختلف را نشان می‌دهد. چنین خلأهایی که کم کم نیستند، وظیفه تئاتر کودک را سنگین‌تر می‌کند.

برساخت نمایشنامه و مشارکت او در اجرا را بیشتر می‌کند. از نظر محتوایی ابتدا باید مشخص شود هدف نمایش چه گروهی از کودکان هستند. بچه‌ها از حدود ۴ تا ۱۰ سالگی حافظه‌های حسی دارند و از این راه بهتر آموزش می‌بینند. از ۷ تا ۱۰ سال حافظه تصویری و بالتر از ۱۰ سال هم حافظه‌ای انتزاعی خواهند داشت. این تقسیم‌بندی نشان می‌دهد که قبل از ساخت نمایش، خالقان آن باید بدانند قرار است چه چیزهایی به چه طریق و برای چه گروهی اجرا شود.

● طبقه‌بندی کودکان فقط براساس سن آنها انجام می‌شود؟

باید قبل از ساخت هر نمایش مشاورانی وجود داشته باشد تا مشخص شود نیاز کودک مخاطب چیست. این نیازسنجی مهم‌ترین بخش است. وقتی مخاطب و نیاز آن مشخص شد می‌توان برای نمایش هدف‌گذاری کرد.

کرده است. پدر و مادرها عموماً شاغل هستند و برای یاد دادن مهارت‌های زندگی به کودکان آموزش‌های ندهند. جامعه هم دائماً در حال تغییر است و برای کودکان هر روز چالش‌های مختلفی خلق می‌شود. فضای مجازی هم دنیایی را برای آنها باز کرده که می‌تواند اطلاعات خود را به‌روز کنند. در این وضع اهمیت تئاتر بیشتر از قبل خواهد بود. یعنی ساخت جدید زندگی بچه‌ها در آن ایجاد کرده و نهادهای سنتی از پس بر کردن آن بر نمی‌آیند. این جاست که وظیفه نمایش برای کودکان پررنگ‌تر می‌شود.

● به‌عنوان یک انسان‌شناس، یک نمایش خوب کودک را چه تعریف می‌کنید.

فرم و محتوای هر نمایش دردم‌تینده‌اند. در مورد فرم آن باید اهالی تئاتر نظر دهند اما به‌عنوان پیشنهاد می‌توانم از فرم‌هایی صحبت کنم که مخاطب را درگیر

تماشاچی به‌مشارکت گرفته شود، بر ساختار اثر در ذهن او تأثیرات بیشتری خواهد گذاشت.

● در طی تشکیل شخصیت کودک عوامل و ساحت‌های مختلفی می‌تواند موثر باشند. پدر و مادر و مدرسه و بعد جامعه هر کدام تکه‌ای از پارک شخصیتی او را خلق می‌کنند. اینها اصولاً عوامل سه‌ل‌الوصول‌تر و قدرتمندتری از تئاتر به‌نظر می‌آیند. در این وضع تئاتر به‌عنوان پارادایم جدید آموزشی می‌تواند کاری از پیش ببرد؟

حتماً می‌تواند به شرط آن که شناس خود را در جاهایی امتحان کند که نهادهای دیگر ضعیف هستند. فرض کنید نمایشی بخواهد روی مهارت‌های عاطفی یا زبانی کودک کار کند. قطعاً در چنین وضعیتی خانواده و مدرسه بسیار از آن جلوتر هستند. اما همین دو نهاد مهم هم خلأهای فراوانی دارند. این‌روزها وضع زندگی به‌خصوص در شهرهای بزرگ با گذشته فرق

رویان گفت‌وگو کردم. کریمی اعتقاد دارد تئاتر باید بر فضاهایی کار کند که نهادهای آموزشی دیگر در آن ضعف دارند.

● تئاتر کودک تا چه حد می‌تواند در آموزش به کودکان موثر باشد؟

قطعاً تأثیرگذاری تئاتر بر کودکان از رسانه‌های دیگر مثل تلویزیون بیشتر است. اصولاً یکی از روش‌های آموزش کودکان حضور آنها در گروه‌ها و پذیرفتن نقش‌های متفاوت است. مثلاً در بازی‌های چندنفره، کودک هر لحظه می‌تواند نقشی متفاوت برای خود تعریف کند. اتفاقی که در تئاتر برای او می‌افتد این است که در تمام دقایق با شخصیت‌ها هم‌ذات‌پنداری می‌کند و خودش را جای آنها می‌گذارد. این بحث البته مربوط به امروز نیست و در جوامع سنتی نیز بسیاری از مهارت‌های اجتماعی با مراسمات جمعی در ذهن کودک شکل می‌گرفته است. در تئاتر مدرن هم وقتی

این فکر که تئاتر به‌عنوان ابزاری در خدمت آموزش در مفاهیم، مهارت‌ها و ارزش‌های هر جامعه تأثیر بگذارد، برای نخستین بار در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ میلادی رواج پیدا کرد. فروردین آذر و یونگ از جمله کسانی بودند که روی این موضوع کار کردند و نتیجه تحقیقات آنها، سود بردن متقابل هنر و انسان‌شناسی از یکدیگر بود و در نهایت خلق هنری که در خدمت آموزش به انسان است. بر همین اساس دیدگاه کلی درباره تئاتر کودک همواره دوسویه سرگرمی و آموزش را در کنار هم قرار داده و پذیرفته است. اما پرسش این است که آیا تئاتر کودک بتواند این را برپا دارد که بر کودکان تأثیر بگذارد؟ و در مقابله با نهادهای قوی‌تر از خود که در ساخت شخصیت کودک نقش دارند، این هنر تا چه حد می‌تواند کار کند و اهمیت داشته باشد. برای بحث بیشتر درباره این موضوعات با مر ترضی کریمی انسان‌شناس، محقق و عضو پژوهشگاه

